



## ۵ کارستانی که قاضی زاده برای دانشگاه نباید می کرد!

صفحه ۲

## پول بدهید دکتر شوید

سه عضو شورای صنفی دانشگاه‌های علوم پزشکی در میزگردی مسئله خصوصی سازی آموزش پزشکی را بررسی کردند آنها معتقد هستند این آیین نامه باعث کم رنگ تر شدن آرزوی دکتر شدن طبقه ضعیف اجتماعی می شود

صفحه ۴

تداوم فعالیت‌های جهادی در زمستان

صفحه ۴

# دانشجویان

شماره ۷۲ هفته سوم دی ماه ۹۷ نخستین نشریه سراسری دانشجویان قیمت: ۵۰۰ تومان

## دربندکوه

عباس عبدی، جامعه شناس، فعال اصلاح طلب و عباس سلیمی نمین از مورخین دانشگاهی در گفتگویی با «دانشجویان» حادثه واحد علوم تحقیقات را از زاویه تاره مورد بررسی قرار دادند



عباس عبدی: مسئولانی که پاسخگو نیستند به راحتی می توانند خلاف بگویند

سلیمی نمین: در زمان تصرف زمین‌ها برخی افراد امتیازاتی گرفتند

عکس: سیدوحید حسینی

## ماجرای تسخیر سردر ۵۰ تومانی

یک سال از اعتراضات مردمی نسبت به مسائل معیشتی گذشته است، اعتراضاتی که به دانشگاه تهران هم کشیده شد و جمعی از دانشجویان قربانی فضای رادیکال ایجاد شده، شدند

صفحه ۱۲

عدد بازی با بودجه سال ۹۸ دانشگاه برتر کشور

صفحه ۴

خصوصی سازی یا اختصاصی سازی؟

همین صفحه

## استانی شدن انتخابات قرار است چه تغییری ایجاد کند؟



پیام مرادی

دبیر تشکیلات اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل

انتخابات در حقیقت یک مکانیزم مردم سالارانه برای تبدیل فضای اجتماعی به مناسبات سیاسی البته در چهار چوب محدودیت های قانونی است. یعنی برگزاری انتخابات باید به بازتاب عرصه اجتماعی در عرصه قدرت و سیاست منجر شود. به عبارت دیگر هر مقدار عرصه قدرت و انتخاب کار گزاران مبتنی بر خواست عمومی، واقعیت های اجتماع و البته منطبق بر قانون و شرع باشد، قانون و مکانیزم بر گزاری انتخابات کارآمدتر است. ناگفته پیداست که انتخابات مجلس شورای اسلامی، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اولاً مجلس در رأس امور و نهاد قانون گذار کشور بوده و ثانیاً تداوم مردم سالاری از طریق نظارت نمایندگان بر وزرا، دستگاه ها و نهاد های مختلف را ممکن می سازد. از نظر اجتماعی نمایندگان مجلس تنها بخشی از سطح کلان حاکمیت هستند که تا دورترین نقاط کشور در دسترس مردم بوده و رأی و نظر مردم در انتخاب آن ها به شکل پر رنگی مؤثر است. بنابراین مجلس احساس وجود مردم سالاری را تقویت می کند و از این جهت نقشی مهم در ثبات سیاسی اجتماعی کشور دارد. طرح استانی شهرستانی شدن انتخابات مدتی است که مجدداً در دستور کار نمایندگان مجلس شورای اسلامی است و از قرار معلوم پس از طرح و تصویب در کمیسیون شوراها به زودی در صحن علنی مجلس به رأی گذاشته خواهد شد. طرح استانی شهرستانی شدن انتخابات قرار است چه تغییری ایجاد کند؟ اگر این طرح به قانون تبدیل شود، شما به عنوان شهروند ساکن و رزمین، علاوه بر رأی دادن به نامزدهای شهر و رزمین باید به نمایندگان کل استان تهران رأی بدهید. پس از شمارش آرا از میان کسانی که در شهر و رزمین نامزد شده اند کسی که بیشترین رأی را دارد لزوماً وارد مجلس نخواهد شد. نامزدی انتخاب خواهد شد که اولاد در و رزمین حداقل ۱۰ درصد آرا را به دست آورده و ثانیاً در کل استان بیشترین رأی را داشته باشد. فرض کنید نامزد «الف» ۱۲ درصد آرا و رزمین و نامزد «ب» ۵۰ درصد آرا و رزمین را به دست آورده باشد و بقیه نامزدها کمتر از ۱۰ درصد آرا را کسب کرده باشند. طبق قانون فعلی نامزد «ب» وارد مجلس خواهد شد. در حالیکه بر اساس قانون جدید هر دو نفر برای ورود مجلس باید به رأی کل استان چشم بدوزند. ممکن است نامزد «الف» به لطف رأی کل استان، نماینده مردم و رزمین در مجلس شورای اسلامی باشد! اولین اشکال این طرح، تحریک گسل های قومیتی، مذهبی و سیاسی است. در استان هایی که شکاف مذهبی و قومیتی وجود دارد این طرح، انتخابات را به بحران امنیتی و اجتماعی تبدیل می کند زیرا شهرهای کرد زبان ممکن است نمایندگانی ترک داشته باشند و یا شهرستان هایی با اکثریت اهل سنت می تواند نمایندگانی شیعه داشته باشند! نکته دیگر اینکه استان ها در کشور ما، اختیارات محدود و خاصی دارند و اداره کشور به معنای سیاست گذاری ها، برنامه ریزی و تخصیص بودجه، تعیین کار گزاران و سایر تصمیمات کلان کشور در تهران صورت می پذیرد. در حقیقت مرزهای استانی از نظر اجتماعی و سیاسی و نیز نوع مسائلشان متمایز کننده مردم نیست. بنابراین منطقی نیست که مردم شهرستان اقلید در استان فارس باید در مورد نمایندگی مردم لار با فاصله چند صد کیلومتری تصمیم بگیرند! چرا که طبیعتاً شناخت کافی و دقیقی وجود ندارد! از سوی دیگر این طرح به ناسالم شدن فضای انتخابات، افزایش اثر پول و لابی گیری های سیاسی در سطح استان ها خواهد انجامید. رمز گشایی بازی های سیاسی و مناسبات گروه ها برای مردم ممکن نیست و شفافیت عرصه انتخابات کاهش می یابد. از طرفی طراحان این طرح مدعی هستند که با کشیده شدن مناسبات انتخابات به سطح استان قدرت علمی و کارشناسی و نیز توانمندی نمایندگان افزایش خواهد یافت. در حالیکه وضعیت کنونی نمایندگان شهر تهران و با برخی کلان شهرها نشان می دهد، هیچ تضمینی برای رسیدن به این هدف با استانی شهرستانی شدن انتخابات وجود ندارد.

## آزمون دکتری سال ۹۸ و ۵ چالش جدی



حدیثه شیرزادی

دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی

۱- میزان کف و سقف سنوات مجاز تحصیلی دانشجویان دکتری در آیین نامه جدید سال ۹۷ (همانند آیین نامه سال گذشته) به ۶ الی ۸ ترم کاهش یافته است. این مسئله فرصت پولی سازی دانشگاه ها را ایجاد خواهد کرد، کما اینکه مطلقاً عرفی برای شهریه سنوات به طور واحد در دانشگاه های کشور وجود ندارد و بعضاً در برخی دانشگاه ها شهریه کامل یک ترم پردیس (حدود ۷-۹ میلیون تومان) به عنوان شهریه سنوات ورودی ۹۴ و بعد از آن منظور می گردد، در حالی که عرف مبلغ یک الی دو برابر پایه حقوق وزارت کار برای یک ترم سنوات اضافی منطقی تر بوده و این ثبات مانع از تبعیض و فشار ضاعف به برخی دانشجویان دکتری دانشگاه ها می شود.

۲- مسئله دیگر، تنظیم شهریه سنوات برای دانشجویان با توجه به حضور ایشان در دانشگاه و استفاده از تسهیلات پژوهشی و رفاهی است که «کمپین مطالبات دکتری وزارت علوم» خدمت وزیر محترم علوم و نیز معاون آموزشی وزارت علوم مطرح کرد، بدین شرح که در صورتی که دانشجویی در سنوات مجاز تحصیلی موفق به فارغ التحصیلی نگشته، و در دانشگاه حضور داشته و از امکانات دانشگاه استفاده می کند، شهریه سنوات مطابق پیشنهاد بند ۱ برای ایشان منظور گردد، اما در صورتی که پژوهش دانشجویی وابسته به حضور در دانشگاه نبوده و دانشجویان امکانات دانشگاه استفاده نمی کنند، شهریه ای نیز برای وی منظور نگردد.

۳- مسئله بعدی حذف شهریه سنوات برای دانشجویان دکتری است که صرفاً منتظر پذیرش و چاپ مقالات خود برای صدور مجوز دفاع هستند و از امکانات دانشگاه بهره ای نمی برند و هزینه ای برای دانشگاه ندارند!

۴- پیگیری جدی طرح آمایش سرزمینی برای کاهش ظرفیت پذیرش دانشجوی دکتری پیشگیری از گسترش بحران اشتغال فارغ التحصیلان دکتری از دیگر خواسته های «کمپین مطالبات دکتری وزارت علوم» در تمامی جلسات با وزیر علوم و معاونین ایشان و سایر مسئولین بوده است.

۵- در مورد طرح مشکلات ارزی پیش آمده برای دانشجویان دکتری در زمینه فرصت مطالعاتی توسط «کمپین مطالبات دکتری وزارت علوم» در دیدار با معاون دانشجویی و رئیس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، دکتر صدیقی اذعان داشت که شرایط پرداخت ارز در شش ماهه دوم سال جاری کاملاً نامشخص است و با توجه به اینکه فرصت مطالعاتی برخی ورودی ها با توجه به شرایط ارز در کشور عملاً نمی شود، با پذیرفتن مشکل ایجاد شده و عدم پذیرش پرونده جدید در شهریور ماه در بسیاری از دانشگاه ها و اشرف کامل به شرایط دانشجویان در پاسخ به پیشنهاد کمپین مطالبات دکتری مبنی بر تمدید مهلت تشکیل پرونده برای فرصت مطالعاتی خارج از کشور برای ورودی ۹۴ دکتری که آخرین فرصتشان برای این امر متقارن با این مشکلات گشته است، تا پایان ترم ۸ و خروج این دسته از دانشجویان از کشور تا پایان تابستان ۹۸، اذعان داشت که جابجایی زمان برای تشکیل پرونده و دریافت نامه حمایت برای این دسته از دانشجویان مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا بدین ترتیب بخشی از حجم درخواست ها کم شده و موقوف به ترم جاری و ترم آینده شود.

## خصوصی سازی یا اختصاصی سازی؟



محمد حسین صبوری

دبیر جنبش عدالت خواه دانشجویی

«خصوصی سازی» و «اجرای سیاست های اصل ۴۴» کلیدواژه ایست که در مقاطع مختلف تاریخی کشور را به سمت بحران سوق داده است. در هر اقدامی که آغازش با «در راستای اجرای سیاست های اصل ۴۴» مواجه می شویم، باید در انتهایش منتظر خبر تعطیلی چند کارخانه و بیکاری چند کارگر باشیم! از قضا تعدد تکرار چنین پدیده هایی، توجیه موردی بودن این اتفاقات را مردود ساخته و هشدار فاجعه ای خطرناک را می دهد. لیکن واگذاری های بی حد و مرز اخیر را باید ناشی از نگرش سودمحور در کشور دانست. نگرشی که برخلاف سیاست های ابلاغی رهبری در اصل ۴۴، اصالت را به درآمدزایی و کسب سود داده است. توجیه «درآمدزایی» برای دولت، زمینه ی مناسبی را برای رانت خواری و فساد فراهم کرده است.

وقتی هدف، واگذاری به هر قیمتی باشد و معیاری نظیر کارآمدی و افزایش تولید در اولویت های دسته چندم نیز قرار نگیرد، افسار گسیختگی در مدل اجرایی و واگذاری ها اتفاق عجیب و دور از انتظاری نیست!

این نگاه غلط، فتح باب بسیاری از آسیب های دیگر نیز خواهد بود. همان گونه که مفسده دیگری این سبک از خصوصی سازی، تبدیل آن به «اختصاصی سازی» ست.

به عبارت دیگر، دقیقاً برخلاف نکات رهبر انقلاب ذیل سیاست های اصل ۴۴، به جای فراهم آوردن فرصت برابر جهت مشارکت عموم، تمام فرصت ها را پیش روی افراد خاص و صاحب نفوذ باز گشایی می شود.

چنانچه در نیشکر هفت تپه، آلومینیوم المهدی، کشت و صنعت مغان و موارد متعدد دیگر، بررسی ها نشان داد که واگذاری به بخش خصوصی تنها زمینه ی مشارکت و دخالت افراد خاصی را فراهم آورده است.

به نظر نگارنده، آن قدر این اتفاق واضح است که نیاز به مثالی چون خرید مجتمع گوشت اردبیل توسط رئیس سازمان خصوصی سازی نباشد.

لذا از آنجا که شرکت ها پس از واگذاری عملارها سازی می شوند و هیچ تضمینی برای رعایت حقوق کارگران وجود نداشته، عموماً به تعویق های طولانی مدت حق الزحمه کارگران و تعطیلی تعددی کارخانه از سوی خریدار (با توجیه اقتصادی و سودمحور) خواهد انجامید.

در چنین وضعیتی، صنعت ملی و وضعیت معیشتی کارگر با خطری جدی مواجه خواهد بود.

سیر خطی خصوصی سازی ها به این نقطه ختم نشده و با اعتراضات معیشتی و صنفی کارگران قربانی، دو چالش «امنیتی» و «اقتصادی» را متوجه کشور می کند.

چالش هایی که تاکنون با بدترین نسخه ها از سوی نهاد های مرتبط اقتصادی و امنیتی مواجه شده اند. از قضا واکنش امنیتی و گاهی قضایی نهاد های نظر قوه قضائیه و وزارت اطلاعات مه تنها نمی تواند نسخه درمانی باشد، بلکه آتش های زیر خاکستر را شعله ور کرده و راه های برون رفت از وضعیت پیش آمده را مسدود می کنند.

بهرتر است چنین مواجهاتی را به فرصت تبدیل کرده و علاوه بر رسمیت بخشیدن به اعتراضات به حق کارگری، زمینه مشارکت کارگران را به صورت تعاونی در راه اندازی تولیدی ها فراهم شود.

تربیون آزاد

دنده معکوس

جنجالی هفته

## ۵ کارستانی که قاضی زاده برای دانشگاه نباید می کرد!

سعید توانراد  
دانشجوی رشته علوم پزشکی  
شهید بهشتی تهران

این روزها — تحلیل‌ها از استعفای قاضی‌زاده وزیر سابق بهداشت، محدود به اختلافات وزیر سابق و دکتر محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه و در نهایت استعفایی برای فرار از عواقب سیاسی وضعیت وزارت بهداشت شده است اما آن چه غالباً در این میان نادیده گرفته می‌شود؛ جایگاه نامناسب وزیر در میان همکاران خود در رشته‌های علوم پزشکی است. وزیر میلیاردی بهداشت در روزهای ابتدایی دولت یازدهم در شرایطی وزارت را پذیرفت و کار خود را شروع کرد که شعار «طرح تحول نظام سلامت» و عواید مادی و معنوی که ادعا می‌شد از آن به مردم و نظام سلامت کشور می‌رسد، در اوج محبوبیت قرار گرفت و توسط همکاران خود به خصوص قشر پزشکان و دانشجویان مورد ستایش قرار می‌گرفت اما این اواخر شاهد شرایط کاملاً متفاوتی بودیم. قاضی‌زاده هاشمی در این ۵ سال، ۵ کار عمده کرد که نباید می‌کرد و انجام آن‌ها شرایط را به وخامت کشاند:

۱- افزایش توقعات بخشی از جامعه‌ی علوم پزشکی کشور با پرداخت حقوق‌ها و کارانه‌های نجومی که علی‌رغم بر کردن جیب بخشی از جامعه‌ی پزشکی، نه تنها آن‌ها را برای کار در بخش دولتی و خدمت به مردم ترغیب نکرد و به سمت او نبرد، بلکه تبعیض گسترش یافته بین حوزه‌های علوم پزشکی، موجب نارضایتی عمومی از وزارت بهداشت در بین پرستاران، رشته‌های پیراپزشکی، توان‌بخشی، بهداشت و... شد که دامنه‌ی این اعتراضات با عمیق‌تر شدن شکاف اقتصادی در جامعه‌ی پزشکی به‌مرور گسترده‌تر شد و به پزشکان، داروسازان و دندان‌پزشکان هم رسید که موجب ناتوان‌سازی پدنه‌ی حامی او در دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها برای توجیه اقداماتش گشت.

۲- برخورد‌های تند و نگاه بالا به پایین او نسبت به انتقادات و اعتراضات صنفی، سیاسی و علمی دانشجویان موجب گشت تا ساکنان دار کشتی آموزش پزشکی و سلامت کشور، برخلاف تصور عموم، در جمع دانشجویان به‌عنوان مصداق تفرعن و تندخویی شناخته شود. ماه‌ها پیش از خلق واژه‌ها و عباراتی همچون «بی‌شعور»، «خودت بمال» و مانند آن، دانشجویان منتقد وزیر به خوردن برچسب فرقاتی و داعشی در پی کوچک‌ترین انتقاداتشان عادت کرده بودند.

۳- هزینه کرد بودجه‌های هنگفت تخصیص یافته به وزارت بهداشت در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ به قدری بی‌نظم بود که داد فعالین فرهنگی و دانشجویی نیز در آورده بود. عدم شفافیت در نظام درآمدها و هزینه کرد ساختارهای تابعه، موجب ریخته شدن حجم بزرگی از این پول‌ها به جیب دلالتان تجویزات پزشکی و دارو، سودجویان بخش خصوصی و فسادهای درون ساختاری شد که در بلندمدت باعث انباشت بدهی‌های دانشگاه‌ها و ورشکسته شدن بیمه‌های حوزه سلامت شد که مواجهه با آن‌هم به روش پاک کردن صورت‌مسئله صورت گرفت و بیمه‌ی سلامت پس از کشمکش‌های فراوان بین وزارت بهداشت و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، به وزارت بهداشت واگذار شد.

۴- تمرکز بیش از حد بر طرح تحول سلامت و رویکرد درمان‌محور، وزارت بهداشت را از تمرکز بر حوزوی آموزش پزشکی و مطالبات دانشجویی بازداشت و روند خصوصی‌سازی و پولی‌سازی درمان، حوزوی آموزش بالینی دانشجویان را تحت تأثیر قرار داد. واگذاری بخش‌های مختلف بیمارستانی به بخش خصوصی نیز مدتی است صدای اعتراض دانشجویان را در آورده است که از آن جمله می‌توان به اعتراض دانشجویان به زرمه‌ی واگذاری بخش توان‌بخشی ارتوپدی بیمارستان اختر دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران به بخش خصوصی اشاره کرد.

۵- سیاسی‌کاری در وزارتخانه و اعمال نقش مستقیم شخص وزیر، مدیران و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی در جریان انتخابات سال ۹۶ و به کارگیری امکانات اجتماعی و دانشجویان نزدیک به دولت در انتخابات، نیروهای حامی دولت را در میان دانشجویان و اساتید منفعل کرد و امکان ورود حمایتی در بزنگاه‌های مهم از جمله آخرین تلاش‌های اخیر معاونت آموزش وزارت بهداشت برای اجرای طرح خصوصی‌سازی آموزش پزشکی را از آن‌ها سلب نمود و در نتیجه، نه تنها خود وزیر مستعفی بلکه تمام طرح‌ها، ایده‌ها و سیاست‌های کلان او با مخالفت‌ها و اعتراض‌های شدید پدنه‌ی اساتید، کارمندان و دانشجویان مواجه شد. وزیر بعدی، پیش از هر کاری باید اشتباهات ۵ سال گذشته را پیش روی قرار دهد و برای عدم تکرار و بلکه اصلاح آن‌ها در دوران مسئولیتش، برنامه داشته باشد.

# ماجرای تسخیر سردر دانشگاه تومانی

یک سال از اعتراضات مردمی نسبت به مسائل معیشتی گذشته است، اعتراضاتی که به دانشگاه تهران هم کشیده شد و جمعی از دانشجویان قربانی فضای رادیکال ایجاد شده، شدند



### پایان فعالیت رادیکال‌ها؛ آغاز دستگیری‌ها و شروع یک موج جدید

فردای روز درگیری‌های مقابل سر در دانشگاه، جمعیت بزرگی از طیف‌های مختلف دانشجویی با تجمع در محوطه اصلی دانشگاه اقدام به راهپیمایی سراسری کردند. میتوان این راهپیمایی را هم عملی برای جلوگیری از شروع دوباره تجمعات روز قبل از حادثه دانست و هم اینکه نشان دهند میتوان به سیاست‌های آسیب‌زای مدیران و مسئولین انتقاد مسالمت‌آمیز کرد اما آسبایی به اموال عمومی نرساند و وارد درگیری‌های خیابانی نشد. این راهپیمایی عملاً هم فرصت هم‌توان برگزاری دوباره تجمعات رادیکال را برخی جریان‌های دانشجویی گرفت. پایان اعتراضات خیابانی آغاز روند دستگیری‌های بیرون از دانشگاه بود. دستگیری‌هایی که دامنه آن به خرداد کشیده شد و حتی تعدادی از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران روز دوشنبه ۲۸ خرداد سال جاری در اعتراض به صدور حکم‌های زندان برای تعدادی از دانشجویان بازداشت شده در اعتراضات سال گذشته و «امنیتی» شدن فضای دانشگاه تجمع کردند. ماجرای که با پیگیری‌های مسئولان آموزش عالی از وزارت علوم گرفته تا نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در تیرماه به آرامشی رسید.

### سنگ بنایی که تا ثریا کج می‌رود

اعتراضات سال گذشته، تازعات فیزیکی بین دو طرف اصلی، دستگیری‌ها و سرانجام واکنش های گاه احساسی و گاه منطقی به مساله دستگیری دانشجویان هرچند به پایان رسید اما سنگ بنای روندی را گذاشت که میتوان از آن به عنوان «تجدید و تهدید آزادی» نام برد. این روند اما با آغاز سال جدید تحصیلی رخ نشان داد و از پدیده‌ی بنام «چپ آمریکایی» در دانشگاه رونمایی کرد. چپی که صدایشان بلند است، فضای مجازی در اختیارشان است و گویا مسئولان دانشگاهی هم به قولی پشتشان هستند. چپی که شعارش عدالت و برابری و ندای کارگری است اما زیست اجتماعی و شخصی‌اش شبیه بورژواها است «تجدید و تهدید آزادی» دو وجه بسیار مهم دارد؛ اول اینکه این جریان نه صیغه اصلاحاتی دارد و نه اصولگرایی و با همین ویژگی هر صدایی جز صدای خودشان را با شعار «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» خاموش می‌کنند و به نوعی منطق یا با ما یا علیه ما را به کف جنبش دانشجویی کشاندند و این یعنی تهدید آزادی؛ یعنی محدود کردن مفهوم آزادی به یک مفهوم و لاغیر. جنبه دوم اما بعدی عملی دارد. از دید این نوپدید، سوسیالیسم، با تعریفی که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ارائه می‌شود، البته با صیغه غیر دینی تنها راه نجات کشور از بحران‌های فعلی است. در ماجرای اعتراض به دستگیری دانشجویان شاهد بودیم که جریان سوسیالیست دینی علیرغم هر فعالیت برای همراهی با این نوپدیده، موفق به حضور در جمع آنان نشد؛ چون سوسیالیسم دینی به درد آنان نمی‌خورد. همین ویژگی یعنی انحصار گفتمان نجات بخش به خود سبب شده تا سایر گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌ها در قامت دشمن تعریف شده و امکان هرگونه فعالیت آزادی‌بخش (کلمه ای که این نوپدیده به آن بسیار علاقه دارد) از آن‌ها سلب شود و این یعنی تهدید آزادی. تجدید و تهدید آزادی در کنار تولد شبه جریانی که ادعای چپ‌گرایی دارد از ثمرات اعتراضات دی ماه سال گذشته است که علیرغم روند مثبت اولیه یعنی اعتراض به وضع معیشتی به یک حرکت رادیکال کور تبدیل شد. رادیکالیسمی که هیچ منطقی نداشت و مانند تب تیند خیلی زود به عرق سر تبدیل شد.

دی ماه ۹۶ بعد از دی ماه ۸۸ ماندگارترین دی ماهی است که در حافظه سیاسی ایرانیان ماندگار شده است. اعتراضات معیشتی در چند شهر بزرگ و کوچک که ناگهان به آتشی بدل شد که به گفته مسئولان وزارت کشور بیش از ۷۰ شهر کشور را درگیر خود کرد، اما همانند تب تند زود

به عرق سرد نشست. دانشگاه تهران نیز به مانند همیشه از شعله‌های این آتش معیشتی در امان نماند و هشتم دی ماه این دانشگاه به مرکز درگیری‌هایی بدل شد که سرآغاز جریان‌های سیاسی نوپدیدی در عرصه فعالیت سیاسی دانشجویان بود.

رضا حمزه دولابی  
خبرنگار

### دانشگاه تهران؛ ترمینال اعتراضات

اوایل دی ماه سال گذشته برپایی چند تجمع در اعتراض به بحران معیشت در شهرهایی مانند مشهد، تهران و برخی مراکز استان‌ها در صدر اخبار قرار گرفت. اعتراضاتی که از میانه روز سوم ناگهان تبدیل به حمله به مراکز دولتی، نهادهای وابسته به قوه قضائیه و برخی بانک‌ها شد. رادیکال شدن فضا و تغییر ماهیت این اعتراضات از یک اعتراض اقتصادی به یک حرکت ضدامنیتی سبب شد تا جریان‌ها ضدانقلاب نیز وارد عمل شده و برای روز نه دی، تجمع فراخوانی مقابل سر در اصلی دانشگاه تهران منتشر کنند. فراخوانی که همگان می‌دانستند هم‌زمانی آن با سالروز حماسه نه دی اتفاقی نیست. ظهر شنبه ۹ دی ماه جمعیتی نزدیک به ۵۰۰ نفری روبروی سردر اصلی دانشگاه در خیابان انقلاب تجمع کردند اما نکته عجیب در این میان رفتار عصبان مسئولان دانشگاه بود؛ آن‌هم باز گذاشتن چندین ساعته سر در اصلی قبل و حین تجمع غیرقانونی مقابل دانشگاه. سر دری که تهرانی‌ها میدانند جز در مواردی خاص بقیه سال همیشه بسته است. باز بودن درب سردر اصلی یکی از مهم‌ترین نقاط ابهام نحوه مدیریت دانشگاه بود که باعث بروز مشکلات بعدی در بروز درگیری میان برخی از دانشجویان و مأموران نیروی انتظامی شد. نیمه‌های روز بود که حلقه اصلی اعتراضات دانشگاه تهران یعنی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی شکل گرفت و رفته‌رفته با حضور افرادی که خیلی از آن‌ها حتی کارت دانشجویی نیز نداشتند و برخی نیز به واسطه دوستان خود وارد محوطه پردیس اصلی دانشگاه شده بودند، شعارها سر داده شد.

این جمع تقریباً یک‌صد نفره، اندکی بعد با شعارهایی رادیکال‌تر که هر لحظه رنگ و بوی تندتری هم به خود می‌گرفت به سمت محوطه مقابل دانشگاه حرکت کردند و در طول این مسیر نیز افرادی به این جمع افزوده شدند. بعدها و با انتشار فیلم‌های این تجمع در فضای مجازی مشخص شد که غلظت شعارهای تند دانشجویان سبب شد تا مردم عادی که شاهد این تجمع بودند همراهی با آن‌ها نداشته و در بهترین حالت نظاره‌گر سرانجام این تجمع باشند.

### تلاش برای تصاحب سر در اصلی دانشگاه؛ آغاز تنش فیزیکی

شعارهای رادیکالی که دیگر اثری از مطالبات اقتصادی در آن باقی نمانده بود سبب شد بلافاصله تعدادی از دانشجویان انقلابی دانشگاه تهران نیز با حضور در سردر اصلی و سردادن شعارهایی که عموماً اعتراض به وضع معیشتی و البته اعلام حمایت از حکومت بود اقدام به برگزاری تجمع کنند و تلاش داشتند تا مانع حضور جریان رادیکال در سردر اصلی شوند.

در ادامه این کشمکش، دانشجویان انقلابی با حضور در سمت راست سردر اصلی و سازمان‌دهی پدنه خود با شعارهایی از قبیل «اگر تو دانشجویی صورت چرا پوشندی»، «برجام پله کردید مردم و ذله کردید» و «وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد» آرام آرام بر فضا مسلط شده و عملاً این تجمع چند ساعته به پایان می‌رسد.

### روایت واقعی شاهد عینی از ماجرای سردر

## همه معترضین دنبال رادیکال کردن فضا نبودند

مصطفی کریمی  
دبیر سیاسی بسیج  
دانشجوی دانشگاه تهران

سال گذشته یک روز قبل از وقوع درگیری در دانشگاه چند کانال تلگرامی و برخی از شبکه‌های اجتماعی اطلاع داده بودند که در مقابل سردر دانشگاه تجمع برگزار خواهد شد. اما تا قبل از حدود ساعت ۱۱ مشخص نبود چه تجمعی قرار است رقم بخورد در نهایت حدود ۳۰ نفر مقابل درب اصلی دانشگاه تهران تجمع کردند و در این بازه زمانی شعارهای آن‌ها بیشتر صنفی و حول موضوعات اشتغال و ... بود. نیروی انتظامی هم طبعاً ایستادگی می‌کرد تا این دانشجویان وارد خیابان نشوند اما دانشجویان کمی تحرک داشتند مدتی نگذشته بود که شعارها تندتر شد و نیروی انتظامی هم جلوتر آمده بود تا تجمع‌کنندگان از فضا و محیط دانشگاه خارج نشوند و کم‌کم شعارها تندتر و رادیکال شد و در ادامه در اقدامی عجیب تعدادی شروع به پرتاب سنگ از داخل دانشگاه به سمت نیروهای انتظامی که بیرون از دانشگاه ایستاده بودند کردند.

کم‌کم بچه‌های بسیج هم داخل دانشگاه جمع شدند و بعد از حدوداً ۲۰ دقیقه کم‌کم شعار می‌دادیم شعارها با اینکه محتوای معیشتی اشتغال داشت ولی مرزبندی‌مان با شعارهایی مثل شعار «نان، کار و آزادی» روشنی بود به مرور به تعداد بچه‌های بسیج بیشتر شد و نهایتاً این تجمع یک نظم و ترتیب منطقی و درستی پیدا کرد.

از حدود اذان ظهر به بعد با اینکه جمعیت آن‌ها بیشتر شده بود اما تقریباً جمعیت ما با معترضین برابر بود یا بیشتر بودیم و از طرفی نیروی انتظامی چپ‌ها را به داخل دانشگاه هدایت کرده بود و مسئولین دانشگاه هم خلاصه فمیدند که باید درب را ببندند و کاری که باید از اول انجام می‌دادند را انجام دادند از این جا به بعد تجمع در درون دانشگاه و محیط داخلی در حال رقم خوردن بود.

شعار دادن‌ها ادامه داشت تا اینکه جمعیت ما غالب شد و توانستیم سردر اصلی دانشگاه را بازپس گیری کنیم، در ادامه دانشجویان معترض که دیدند نمی‌توانند در فضای دانشگاه عرض اندامی کنند مدتی حضور داشتند بعد پراکنده شدند و اتفاقات این روز تقریباً خاتمه یافت هر چند بچه‌های ما تا اذان مغرب جلوی سر در دانشگاه بودند و آنجا برنامه‌هایی برگزار کردند. اعتقاد ندارم که همه‌ی افراد آمده بودند تا فضا را رادیکال و تند کنند اما به نظر می‌رسید سه چهار نفری که مدیریت فضا را در دست داشتند با توجه به فضای شهرهای دیگر و حوادثی که در سطح کشور رخ داده بود عمد داشتند که با رادیکال کردن و بردن فضا به سمت درگیری جرقه اتفاقات بزرگ‌تری را در کف خیابان‌ها بزنند.

چند نفر اصلی میان معترضین بودند که نقش هدایتگری و خط‌دهی را بر عهده داشتند، این‌ها عامدانه قصد برهم زدن نظم و رادیکال شدن فضا را داشتند که از شعارهای تند آن‌ها می‌توان این حرف را اثبات کرد.

پیش فرض لیدرهای معترضین این بود که با سردادن شعارهای تند مردم بیرون از دانشگاه را با خود همراه کنند و فضای رسانه‌ی داخلی و خارجی را ملتهب کنند که با پاسخ منفی مردم روبرو شدند.

محیط دانشگاه حتی چند روز پیش از وقوع تجمع معترضین آرام و اساساً خنثی بود و فضای میدانی دانشگاه اقدام با رفتار خاصی به چشم نمی‌خورد که در نهایت اتفاقات تحت تأثیر محیط بیرونی و کشور قرار گرفت.

واقعیت ماجرا این است که در آن روز، دانشجویانی که هیچ فعالیت صنفی در سطح دانشگاه را در کارنامه خود نداشتند وارد تجمع معترضین شدند که حرف و دغدغه آن‌ها حول مسائل اقتصادی بود نه چیز دیگری.

# دریغند کوه

عباس عبدی، جامعه‌شناس، فعال اصلاح‌طلب و عباس سلیمی‌نمین از مورخین دانشگاهی در گفتگویی با «دانشجویان» حادثه واحد علوم تحقیقات را از زاویه تازه مورد بررسی قرار دادند

امین خلیق خبرنگار

«یک دستگاه اتوبوس حامل دانشجویان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران واژگون شد!» خبری کوتاه و جانکاه که در کمتر از چند دقیقه در فضای مجازی دست به دست شد. ساعت ۲۲:۱۲ ظهر چهارم دی ماه، روزی است که جامعه علمی کشور آن را فراموش نمی‌کند. ماجرا از این قرار بود که اتوبوس حامل تعدادی از دانشجویان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی در بخشی از مسیر جاده دانشکده مدیریت از مسیر منحرف و پس از برخورد با مانع سیمانی از مسیر خارج واژگون شد. هر چند شاید در ساعت‌های ابتدایی آن روز، کسی گمان نمی‌کرد که خبر این حادثه سر تیتراخبار دی‌ماهی رسانه‌ها شود اما آمار مجروحان و کشته‌شدگان که رسید آنقدر تلخ بود که هر کسی با شنیدنش در بهت فرو رفت. حالا دیگر تمام خبرنگاران تلاش می‌کردند خود را به محل وقوع حادثه برسانند تا هر لحظه اخبار، آمار و عکس‌های جدید را منتشر کنند. در ساعت‌های ابتدایی رئیس مرکز اورژانس کشور تعداد کشته‌شدگان را ۷۱ و تعداد مجروحان را ۲۶ نفر اعلام کرد اما آمار ثابت نماند و در نهایت ده نفر از دانشجویان جان خود را از دست دادند. حالا بیش از دو هفته از وقوع این حادثه می‌گذرد اما هنوز همه از آن سخن می‌گویند و رسانه‌ها ابعاد ماجرا و چرایی آن را بررسی می‌کنند. «ناوگان فرسوده ارایه مرگ دانشجویان»، «مرگ اتوبوسی دانشجویان»، «آخر مسیر دانشجویان»، «امیدها زیر خاک بی مسئولیتی»، «برخورد اتوبوس مرگ با دیوار سوءمدیریت» و... عنوان‌هایی است که رسانه‌ها برای پرداختن به چرایی این ماجرا انتخاب کرده‌اند. حال سوال اینجاست که با وجود آن که در سال‌های اخیر، سوانح مربوط به اتوبوس‌ها کم نبوده، اما چه می‌شود که اقتدر به این حادثه پرداخته می‌شود؟ چه می‌شود که رسانه‌های منتسب به جریان اصلاح‌طلب تمام هم و غم خود را برای اثبات سوء مدیریت در دانشگاه آزاد گذاشته اما در سوی مقابل مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی و رسانه‌های منتسب به آن، محورهای مطرح شده توسط اصلاح‌طلبان را «کاسبی سیاسی جناح مخالف» می‌خوانند؟ شاید جواب به این سوال را بتوان از دو منظر پاسخ داد؛ بعد اجتماعی و بعد تاریخی.

ماجرا از چه قرار بود؟

علوم و تحقیقات در سال ۱۳۷۶ به منطقه حصارک تهران (مکان فعلی دانشگاه در ارتفاع بیش از ۱۸۰۰ متری) منتقل شد. آن سال «غلامحسین کرباسچی» - دبیر کل فعلی حزب اصلاح‌طلب کارگزاران سازندگی - شهردار تهران بود. مهدی هادوی «اولین دادستان کل انقلاب» و «رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات» است که پس از تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی و در زمان مدیریت عبدالله جاسبی ۲ میلیون مترمربع از املاک موروثی خود را به این دانشگاه هبه کرد. او اما بخش کوچکی از زمین را برای خانواده خود نگاه می‌دارد، ولی به گفته خود هادوی و فرزندانش، دانشگاه آزاد شروع به تجاوز به زمین متعلق به خانواده‌ی هادوی می‌کند و در نهایت با اعمال زور بخش زیادی از زمین را تصاحب می‌کند. همین موضوع بعدها محل اختلافی بین دانشگاه آزاد و خانواده هادوی شد. چندی پیش محمد هادوی فرزند مهدی هادوی در گفت و گویی اعلام کرده بود که آیت‌الله هاشمی و محسن هاشمی هر دو در مقطعی تصمیم‌ها و اقداماتی برای بازگرداندن زمین به فرزندان مهدی هادوی داشته‌اند اما عبدالله جاسبی که آن زمان رئیس وقت دانشگاه بود با اقداماتی که انجام داد مانع از این کار شد. سلیمی‌نمین می‌گوید: «آقای هادوی با اعتقاد به این موضوع که دانشگاه آزاد برای مردم و متعلق به مردم است بخشی از زمین‌های پدری خود را به دانشگاه هدیبه کرد اما دانشگاه بعد از آن که تأسیسات و ساختمان‌هایی را در این زمین‌ها بنا کرد شروع به تعرض به زمین‌های اطراف کرد.» تعارضی که به اعتقاد سلیمی‌نمین غیر اخلاقی، غیر اصولی و از موضع قدرت و زور گوئی بود. او می‌گوید: «متأسفانه امروز بیشتر انگیزه‌ها برای پرداختن به این موضوع تقلیل‌های سیاسی است؛ بحث دفاع از مظلومیت و یا دفاع از منافع عمومی مطرح نیست چرا که در گذشته هم درباره این واحد بحث‌های جدی مطرح شده بود اما بسیاری از رسانه‌های که اصلاح‌طلب که امروز درباره آن سخن می‌گویند در گذشته نته‌تها به آن ورود نکرده، بلکه در مقام دفاع نیز برآمدند. در حالی که ورود به این بحث آن زمان بسیار ضروری بود.» سلیمی‌نمین برای حرف خود دلیل هم دارد: «در جهت‌گیری درباره این زمین‌ها و هم درباره نوع عملکرد تصرف آن مشکلاتی وجود داشت. یک سری برخوردهایی با اموال عمومی و یک سری برخوردها با مردم خاص در گذشته انجام شد اما هیچ کدام از کسانی که امروز به حادثه علوم و تحقیقات و تصرف زمین‌های آن پرداخته‌اند،

آن زمان به آن ورود نکردند. دلیل آن هم مشخص است؛ در زمان تصرف این زمین‌ها برخی افراد امتیازاتی دریافت می‌کردند؛ یعنی روند ناسالم سازی مدیران یا کشاندن مدیران به عرصه داد و ستد اقتصادی رابطه ناسالمی به وجود آورده بود که حاصل آن نادیده گرفتن منافع مردم بود. اما حضرات حالا بانگیزه کاملاً متفاوت موضع‌گیری‌های اتخاذ می‌کنند.»

دانشگاهی در ارتفاع ۱۸۰۰ متری!

البته ماجرای زمین‌های غصبی تنها بعد تاریخی ماجرا نیست؛ سوآلی که این مدت به کرات مطرح شده این است که چرا دانشگاه باید در ارتفاع بیش از ۱۸۰۰ متری ساخته شود؟! واحد علوم و تحقیقات در حریم منطقه ۵ تهران قرار دارد و در این منطقه، طبق ضوابط شهرداری، ساخت و ساز در ارتفاع بالاتر از ۱۶۰۰ متر از سطح دریا ممنوع است. محل احداث دانشگاه ساخت و ساز در ارتفاع بالاتر از ۱۶۰۰ متر از سطح دریا ممنوع است. محل احداث دانشگاه ساخت و ساز در ارتفاع بالاتر از ۱۶۰۰ متر از سطح دریا ممنوع است. همان زمان هم مخالفت‌های زیادی برای ساخت آن صورت گرفت اما گویا به دلایل نامعلوم کسی نتوانست جلوی این ساخت و ساز را بگیرد. او‌اخر دهه ۶۰ بود که با ساخت دانشگاه موافقت و در نهایت کوه به دانشگاه تبدیل می‌شود! به گفته احمد خرم‌احداث این واحد دانشگاهی در منطقه ۵ تهران یکی از بدترین مکان‌های استقرار در جهان است و طبق اصول شهرسازی، به هیچ عنوان نباید در محیط ناهموار این چنینی اقدام به ساخت و ساز کرد. محسن هاشمی معاون عمرانی وقت دانشگاه سال ۹۳ در مصاحبه‌ای از مکان نامناسب این واحد سخن گفته بود: «ساختمان‌ها در ارتفاع قرار دارد که پایین‌ترین نقطه آن در ارتفاع هزار و ۶۰۰ متری و بالاترین نقطه آن در ارتفاع ۲ هزار متری واقع است. بین بالاترین و پایین‌ترین منطقه حدود ۴۰۰ متر اختلاف ارتفاع وجود دارد و طول خیابان‌ها نیز به ۷ کیلومتر می‌رسد. در طول یک سال آینده حمل و نقل کابلی در واحد علوم و تحقیقات راه‌اندازی شود و تا زمستان سال ۹۴ به بهره‌برداری برسد.» اقدامی که البته هیچ‌گاه رنگ واقعیت به خود نگرفت. با این اوصاف پاس‌کاری مسئولان وقت و فعلی، ابعاد اجتماعی واژگونی اتوبوس و ابعاد تاریخی ساخت دانشگاه، همه عواملی بودند که نوک حمله رسانه‌ها و افکار عمومی را به سمت این حادثه و جان باختن ده‌تن از دانشجویان معطوف کرد.

## زمین‌های غصبی و دانشگاهی در ارتفاع ۱۸۰۰ متری

رئیس‌جمهور می‌کند. همین موضوع بعداً محل اختلافی بین دانشگاه آزاد و خانواده هادوی شد. چندی پیش محمد هادوی فرزند مهدی هادوی در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که آیت‌الله هاشمی و محسن هاشمی هر دو در مقطعی تصمیم‌ها و اقداماتی برای بازگرداندن زمین به فرزندان مهدی هادوی داشته‌اند اما عبدالله جاسبی که آن زمان رئیس وقت دانشگاه بود با اقداماتی که انجام داد مانع از این کار شد. سلیمی‌نمین می‌گوید: «آقای هادوی با اعتقاد به این موضوع که دانشگاه آزاد برای مردم و متعلق به مردم است بخشی از زمین‌های پدری خود را به دانشگاه هدیبه کرد اما دانشگاه بعد از آن که تأسیسات و ساختمان‌هایی را در این زمین‌ها بنا کرد شروع به تعرض به زمین‌های اطراف کرد.» تعارضی که به اعتقاد سلیمی‌نمین غیر اخلاقی، غیر اصولی و از موضع قدرت و زور گوئی بود. او می‌گوید: «متأسفانه امروز بیشتر انگیزه‌ها برای پرداختن به این موضوع تقلیل‌های سیاسی است؛ بحث دفاع از مظلومیت و یا دفاع از منافع عمومی مطرح نیست چرا که در گذشته هم درباره این واحد بحث‌های جدی مطرح شده بود اما بسیاری از رسانه‌های که اصلاح‌طلب که امروز درباره آن سخن می‌گویند در گذشته نته‌تها به آن ورود نکرده، بلکه در مقام دفاع نیز برآمدند. در حالی که ورود به این بحث آن زمان بسیار ضروری بود.» سلیمی‌نمین برای حرف خود دلیل هم دارد: «در جهت‌گیری درباره این زمین‌ها و هم درباره نوع عملکرد تصرف آن مشکلاتی وجود داشت. یک سری برخوردهایی با اموال عمومی و یک سری برخوردها با مردم خاص در گذشته انجام شد اما هیچ کدام از کسانی که امروز به حادثه علوم و تحقیقات و تصرف زمین‌های آن پرداخته‌اند، آن زمان به آن ورود نکردند. دلیل آن هم مشخص است؛ در زمان تصرف این زمین‌ها برخی افراد امتیازاتی دریافت می‌کردند؛ یعنی روند ناسالم سازی مدیران یا کشاندن مدیران به عرصه داد و ستد اقتصادی رابطه ناسالمی به وجود آورده بود که حاصل آن نادیده گرفتن منافع مردم بود. اما حضرات حالا بانگیزه کاملاً متفاوت موضع‌گیری‌های اتخاذ می‌کنند.»

علوم و تحقیقات در سال ۱۳۷۶ به منطقه حصارک تهران (مکان فعلی دانشگاه در ارتفاع بیش از ۱۸۰۰ متری) منتقل شد. آن سال «غلامحسین کرباسچی» - دبیر کل فعلی حزب اصلاح‌طلب کارگزاران سازندگی - شهردار تهران بود. مهدی هادوی «اولین دادستان کل انقلاب» و «رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات» است که پس از تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی و در زمان مدیریت عبدالله جاسبی ۲ میلیون مترمربع از املاک موروثی خود را به این دانشگاه هبه کرد. او اما بخش کوچکی از زمین را برای خانواده خود نگاه می‌دارد، ولی به گفته خود هادوی و فرزندانش، دانشگاه آزاد شروع به تجاوز به زمین متعلق به خانواده‌ی هادوی می‌کند و در نهایت با اعمال زور بخش زیادی از زمین

## ابعاد اجتماعی حادثه: فرار از مسئولیت

پیدا کند.» به گفته او دلیل مهم‌تر این است که حادثه در داخل دانشگاه و در تهران رخ داده است نه در جاده‌ها چرا که خیلی غیر قابل انتظار است چنین حادثه‌ای در تهران رخ دهد و این تعداد دانشجو کشته و مجروح شوند. عبدی می‌گوید: «دلیل دیگری که باعث شد درباره این سانحه بیشتر صحبت شود این بود که از گذشته هم افراد به غیر ایمن بودن خیابان علوم و تحقیقات اعتراض می‌کردند اما کسی به این اعتراضات توجه نکرده بود. در واقع غیر پاسخگو بودن دانشگاه در برابر مطالبات دانشجویان و جامعه به این حادثه دامن زد.»

بارها شنیده‌ایم که گفته‌اند آمار تلفات جاده‌ای از آمار شهدای ۸ ساله جنگ تحمیلی بیشتر بوده است؛ اما هیچ کدام از این حوادث و تلفات به اندازه حادثه اتوبوس علوم و تحقیقات پررنگ نشد. بی شک یکی از مهم‌ترین دلایل آن هم این بود که حادثه، نه در جاده‌های بین راهی بلکه در شهر تهران، آن هم در محوطه متعلق به دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد رخ داد. سر نشینان آن هم «دانشجویان» بودند. دانشجویانی که قرار بود آینده سازان کشور باشند. عباس عبدی فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت و گو با «دانشجویان» به ابعاد اجتماعی حادثه اتوبوس علوم و تحقیقات پرداخت. به اعتقاد او چند دلیل باعث شد تا این حادثه اهمیت خبری بیشتری پیدا کند. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب، نفس «دانشجو بودن»، «فرار از مسئولیت»، «رخ دادن حادثه در محوطه دانشگاه» را سه دلیل عمده‌ای می‌داند که موجب شد به سانحه اتوبوس دانشگاه بیشتر از سایر تصادفات جاده‌ای پرداخته شود. او می‌گوید: «دلیل اول این بود که حادثه واژگونی اتوبوس سیاسی نیز شد؛ سیاسی شدن آن هم امری طبیعی است چرا که اگر مدیریت دانشگاه آزاد فردی اصلاح‌طلب یا میانه و مدیریت دانشگاه در این طیف تعریف می‌شد، طیف مقابل بشدت به آن می‌پرداختند. حالا که مدیریت دانشگاه اصولگرا است طبیعی است که طیف دیگر به بیشتر به این حادثه ورود پیدا کرده و حساسیت بیشتری نشان دهند.» این فعال سیاسی اصلاح‌طلب به دلیل دوم هم اشاره می‌کند: «دوم این که کسانی که در این حادثه کشته و یا زخمی شدند مجموعه ویژه‌ای بودند. نفس دانشجو و دانش آموز بودن حادثه دیدگان باعث می‌شود که موضوع، ارزش خبری بیشتری



## خبرهای درگوشی از دانشگاه

**تجمع شبانه مقابل در سازمان امور دانشجویان**  
اخیراً جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در مقابل سازمان امور دانشجویان در اعتراض به آنچه تخلفات معاونت دانشجویی این دانشگاه در روند برگزاری انتخابات شورای صنفی می‌دانند، تجمع کردند. طبق خبرهای منتشر شده در کانال‌های شورای صنفی این دانشجویان به دلیل عدم حضور رئیس این سازمان در زمان تجمع، تحصن خود را در داخل سازمان ادامه دادند و حتی پس از تذکر انتظارات دانشجویان از این سازمان خارج نشده و این تحصن تا تاریکی شب ادامه داشته است. پیگیری دانشجویان معترض فردای آن روز ادامه می‌یابد تا اینکه صدیقی رئیس سازمان امور دانشجویان و علم، معاون این سازمان جلاستی را با حضور نماینده دانشجویان برگزار کردند. از نکات قابل توجه خروجی این جلسه، طبق ادعای دانشجویان، پیش‌نویس اصلاحیه جدید آیین‌نامه شورا‌های صنفی دانشجویان است که محتوای اصلی آن نحوه تأیید صلاحیت کاندیدهای شورای صنفی در دانشگاه‌ها است.

**وقتی معاون فرهنگی، مورد تأیید نیست!**  
حجت‌الاسلام ابراهیم کلانتری، معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی اخیراً در اظهاراتی به برگزاری یک اردو مختلط و پخش یک موسیقی غیرمجاز در واحد آزاد مشهد واکنش نشان داده است، او گفته متأسفانه هر دو موضوع اردوی مختلط و پخش موسیقی غیرمجاز در مراسم روز دانشجو این دانشگاه در موقعیتی اتفاق افتاد که در این دانشگاه معاونت فرهنگی مورد تأیید نداریم. چند ماه قبل بدون هماهنگی با سازمان مرکزی، معاون فرهنگی توسط سرپرست دانشگاه کنار گذاشته شد و شخص دیگری به تشخیص خودشان به‌عنوان سرپرست موقت منصوب شد، که فرآیند قانونی آن طی نشده است. باید این انتصاب به سازمان مرکزی اعلام می‌شد و برای ادامه کار نیز مصاحبه‌ای از این فرد انجام می‌شد و این فرد پس از تأیید سازمان مرکزی، به کار خود ادامه می‌داد، اما این روند قانونی طی نشد و در یک خلأ خاصی که در این دانشگاه ایجاد شده این اتفاق رخ داد.

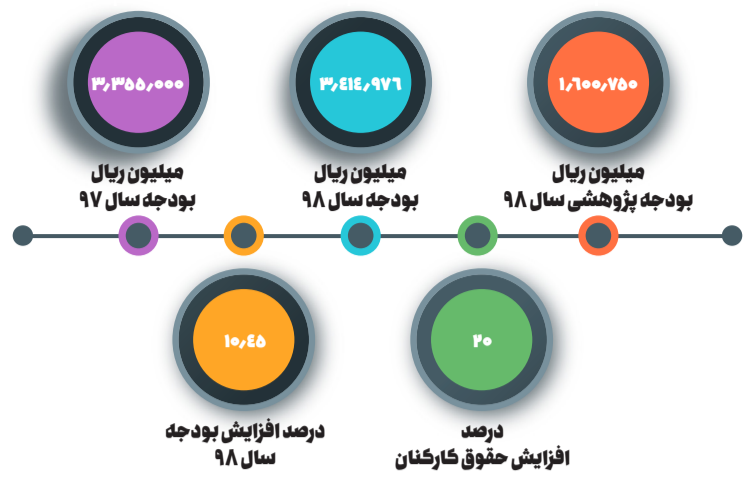
**حرف‌های تازه جباریان در یک دانشگاه**  
اخیراً برنامه‌ای با حضور سعید جباریان توسط انجمن اسلامی دانشجویان پیشرو دانشگاه تربیت مدرس در این دانشگاه برگزار شده است، جباریان در این همایش در اظهاراتی گفته است: «مسئله خودسرانه دست‌کمی از مصائب عمده کشور نداشته باشد. امروزه کار آن‌ها به جایی رسیده است که دست به هر عملی می‌زنند و دست و پای دولت را در پوست گردو می‌گذرانند و دولت هم باید پاسخگوی رفتار آن‌ها باشد. در قضیه کوی دانشگاه هم پلیس قانون شکنی فراوان کرد. در جریان حمله به سفارت‌های انگلیس و عربستان هم پلیس نظاره‌گر بود و عملاً راه را برای خودسرها باز گذاشت. در قضایای سال ۸۸ هم همچنین. اما علت پیدایش گروه‌های خودسر چیست؟ معمولاً می‌توان چند علت را برای این پدیده برشمرد. اولین آن‌ها ضعف دولت مرکزی است... بعد از دولت معجزه، من از دانشگاه اخراج شدم. فکر می‌کنند یک‌بار در ایران انقلاب فرهنگی شده در حالی که در دولت معجزه هم انقلاب فرهنگی شد. هم اخراج دانشجو و اساتید بود و هم ماجرای بورسیه‌ها پیش آمد.»

**تاتر اعتراضی چپ‌ها در دانشگاه تهران**  
اخیراً جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران با تجمع مقابل کتابخانه مرکزی با در دست داشتن پلاکاردهای قرمز رنگ حمایت خود را از آنچه که وضعیت نگران‌کننده کارگان، مصلمان و دانشجویان زندانی را مطرح می‌کردند، تجمع کردند. دست‌نوشته‌ها و شعارهایی همچون «در دانشگاه بیگاری، بعد از تحصیل بیگاری»، «مسکن و کار و درمان خواسته زحمتکشان»، «نان، کار، آزادی، تا پیکار راهی»، «کارگر منطقه، علیه بهره‌کشی، علیه ظلم و بی‌داد اتحاد اتحادیه» در این تجمع رسانه‌ای شد. برگزاری یک تاتر اعتراضی از سوی تجمع‌کنندگان از دیگر بخش‌های این تجمع بود، به‌طوری‌که در این اجرا که نمونه از یک دادگاه با هفت شاکی (دانشجوی زن، دانشجوی اقلیت قومی، دانشجوی معلم، دانشجوی مهاجر، دانشجوی اقلیت مذهبی، دانشجوی کارگر و دانشجویی که ترکیبی از این شخصیت‌های دیگر) برگزار شد که برای هر کدام از آن‌ها کیفر خواست قرائت می‌شد.

## عددبازی با بودجه ۹۸ سال دانشگاه برتر کشور

رئیس دانشگاه صنعتی شریف گفته است: باتوجه به اینکه درصد بسیار بالایی از کل بودجه دانشگاه ها صرف حقوق و دستمزد می شود بنابراین برای تامین حقوق ها در دانشگاه باید سال آینده از بودجه پژوهشی خود بکاهیم.

رئیس دانشگاه: ملزم به کاهش بودجه پژوهشی برای جبران حقوق کارکنان هستیم!



# دانشجویان

مدیر مسئول: محمدودود حیدری  
 سردبیر: محمدرضا حیاتی  
 مدیر اجرایی: غلامرضا رفیعی

همکاران این شماره: رضا حمزه دولابی، سجاد باقری زهرا رضائی، سارا طاهری، مرتضی باجلان، امین خلیق

چاپخانه: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

آدرس: تهران خیابان انقلاب روبروی درب اصلی دانشگاه تهران ساختمان پارسطبقة پنجم

راه ارتباطی ما در بله: @danehsjooannewsaper  
 پست الکترونیک: danehsjooannewsaper@gmail.com

شماره ۷۲ هفته سوم دی ماه ۹۷

# پول بدهید دکتر شوید

سه عضو شورای صنفی دانشگاه‌های علوم پزشکی در میزگردی مسئله خصوصی سازی آموزش پزشکی را بررسی کردند آنها معتقد هستند این آیین نامه باعث کم رنگ تر شدن آرزوی دکتر شدن طبقه ضعیف اجتماعی می شود

تربیت کننده فعلی، این نیازها در چند سال آتی مرتفع خواهند شد اما باقر لاریجانی، معاون آموزشی وزارت بهداشت درباره این آیین نامه ابراز امیدواری کرده که با ورود بخش خصوصی توانمند شاهد ارتقای کیفی آموزش عالی بخش سلامت باشیم و وزارت بهداشت از تکرار تجربه سایر بخش های آموزشی کشور در تأسیس مؤسسات بی شمار و فاقد توانایی و کیفیت لازم اجتناب خواهد ورزید. هر چند که به نظر می رسد مسئولان وزارت بهداشت در صدد هستند تا با ورود بخش خصوصی به این حوزه بحث کیفیت آموزشی را بالاتر ببرند، اما در مقابل دانشجویان این موضوع را رد می کنند و این مسئله را در نهایت به ضرر سلامت جامعه می دانند؛ موضوعی که ما را بر آن داشت تا به سراغ تن ذبیران شورای صنفی برویم و از آن ها درباره دلایل مخالفتشان بپرسیم.

بیش از ۱۰ روز پیش بود که آیین نامه و دستورالعمل اجرایی نحوه مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی علوم پزشکی در جلسات ۲۵۶ و ۲۶۷ روزهای ۲۵ مهر ۹۵ و ۲۷ خرداد ۹۷ شورای گسترش دانشگاه های علوم پزشکی تصویب و از سوی وزیر سابق بهداشت به معاونت آموزشی این وزارتخانه ابلاغ شد؛ آیین نامه ای که بعد از رسانه های شدن، با واکنش دانشجویان علوم پزشکی روبه رو شد و شورا های صنفی ۵۴ دانشگاه علوم پزشکی کشور و همچنین ۷ تشکل بسیج دانشجویی دانشگاه های علوم پزشکی تهران با صدور بیانیه هایی نسبت به این آن واکنش نشان دادند. نکته جالب درباره این آیین نامه ای است که در آن تأکید شده «در بسیاری از رشته/مقاطع علوم پزشکی تربیت نیروی انسانی به میزان مکفی صورت گرفته و یا اینکه با توجه به تعداد مراکز

### مشکل کمبود پزشک نداریم

**حسین شامانی**  
 دانشجو، عضو هیئت مدیره انجمن دانشجویان علوم پزشکی

مخالفت دانشجویان با این آیین نامه چند دلیل دارد؛ اول اینکه این آیین نامه در ظاهر قوانین قشنگی دارد، به طوری که حتی اگر بخواهیم برخی از دانشگاه های علوم پزشکی را با شرایط این قوانین بررسی کنیم، قبول نمی شوند؛ در حقیقت بندهای این آیین نامه به حدی قوی هستند که حتی برخی از دانشگاه های علوم پزشکی که امروز تحت نظارت وزارت بهداشت هستند نیز مورد پذیرش این آیین نامه نیستند؛ اما تجربه ای که ما از نحوه اجرایی شدن همین آیین نامه در باره مؤسسات غیر انتفاعی در رشته های علوم انسانی و فنی و مهندسی داریم، این است که فارغ التحصیلانی که از آن ها مدرک می گیرند از لحاظ سواد فاصله زیادی با آنچه باید باشند، دارند و قطعاً اگر این مسئله در حوزه رشته های علوم پزشکی نیز اجرایی شود تنها فارغ التحصیلان پزشکی بلکه مردم نیز با بحران روبه رو می شوند. یکی از دلایل نگرانی دانشجویان از ورود بخش خصوصی به آموزش پزشکی تجربه ای است که ما از ورود مؤسسات غیر انتفاعی به آموزش دانشجویان در رشته های مهندسی و علوم انسانی داشته ایم و دلیل سوم هم این است که رشته های علوم مهندسی و علوم انسانی مستقیماً باجان انسان ها در ارتباط نیستند اما درباره رشته های علوم پزشکی وضعیت متفاوت است و فارغ التحصیلان رشته های این گروه آزمایشی مستقیماً با سلامت تک تک افراد جامعه در ارتباطند و این موضوع بسیار مهم و نگران کننده ای است. البته موافقان این طرح همان دلایلی که برای مؤسسات غیر انتفاعی انسانی و... آورده اند را برای ورود بخش خصوصی به آموزش پزشکی نیز مطرح می کنند و ایران را با مؤسسات غیر انتفاعی کشور های توسعه یافته مقایسه می کنند و به همین دلیل نیز چنین طرحی را ارائه داده اند؛ اما سؤال اصلی ما از آن ها این است که آیا زیرساخت های کشور ما با زیرساخت های کشورهای توسعه یافته برابری می کند؟ سؤالی که جواب آن قطعاً منفی نیست و به همین دلیل می گویم که بخش خصوصی نمی تواند وارد این حوزه شود. از سوی دیگر موضوع کمبود نیرو در حوزه های پزشکی مطرح شده که در این باره هم باید بگویم که پیش تر عنوان شده بود که ما کمبود پرستار داریم و به همین دلیل ظرفیت پذیرش دانشجویان پرستاری در دانشکده های مختلف را بدون در نظر گرفتن توان آموزشی و رفاهی دانشگاه ها دو برابر کردند که همین مسئله موجب شد تا آموزش و رفاه این دانشجویان با مشکل مواجه شود؛ حتی در سال ۹۴ نیز طرح کمک پرستاری و آموزش یک ساله ارائه کردند که این طرح نیز موفقیت آمیز نبود؛ در طرف دیگر ماجرا نیز این سؤال پیش می آید که ما اگر در حوزه پرستاری با کمبود نیرو مواجه هستیم، چرا فارغ التحصیلان ما شش تا یک سال در نوبت طرح خدمت می مانند و بیمارستان های ما نیز در حال تعدیل نیرو هستند؟ البته طبق استاندارد جهانی، مادر این حوزه با کمبود نیرو مواجه ایم اما باید بگویم که اول زیرساخت ها برای افزایش دانشجویان پرستاری فراهم نشده و علاوه بر آن وزارتخانه های علوم و بهداشت نیز با بحران اقتصادی روبه رو هستند و امکان جذب نیرو را ندارند و حتی ورود بخش خصوصی نیز نمی تواند این مشکل را برطرف کند.

### غلبه تفکر اقتصاد محوری در حوزه سلامت

**علیرضا تاجایی**  
 دانشجو، عضو هیئت مدیره انجمن دانشجویان علوم پزشکی

یک هفته ای می شود که با انتشار اخباری مبنی بر خصوصی سازی مراکز آموزش عالی علوم پزشکی، فضای دانشجویی غالباً منفعل دانشگاه های علوم پزشکی به جنب و جوش افتاده است و خصوصی سازی در بخش های مختلف کشور که از معیارهای رشد در ممالک توسعه یافته جهان به شمار می آید، متأسفانه به دلیل تجارب بد در کشور ما، از پیش زمینه ذهنی خوبی در اذهان عمومی برخوردار نیست.

ابلاغ طرح مذکور تحت عنوان دستورالعمل اجرایی و آیین نامه خصوصی سازی مراکز آموزش عالی در رشته های علوم پزشکی از سمت وزارت بهداشت که حداقل در دوره اخیر با طرح ورود دانشجویان پزشکی از خارج از کشور و یا جنجال های خصوصی سازی بخش های بیمارستانی و... به نوعی غلبه تفکر اقتصاد محوری در حوزه سلامت را در سطح مدیریتی این وزارت خانه نشان داده بود؛ موجی از نگرانی ها در بین دانشجویان علوم پزشکی، که با خاطر عواقب قابل پیش بینی این طرح ایجاد کرده است.

این گسترش آموزشی در حالی است که وزیر مستعفی بهداشت چندی پیش به انتقاد شدید از ایجاد بی رویه دانشگاه در کشور پرداخته بود. علاوه بر این اکنون وزارت بهداشت حتی توانایی تأمین اعضای هیئت علمی برای بخش دولتی را هم دارا نیست و در برخی دانشکده ها نسبت استاد به دانشجو به بیش از ۱۰ برابر حد استاندارد می رسد، معلوم نیست بخش خصوصی قرار است از کدام هیئت علمی، بیمارستان، فضا و امکانات آموزشی برای فعالیت استفاده نماید. با وجود سختگیرانه بودن برخی از شرایط تأسیس چنین مراکز آموزشی؛ تجربه بد اجرای همین دست آئین نامه های به اصطلاح قوی در رشته های تحصیلی غیر علوم پزشکی که بیکاری آکادمیک و ضعف شدید علمی فارغ التحصیلان از جمله نتایج پربار آن ها به حساب می آید و نیز وجود ابهامات مختلف در آئین نامه ابلاغی وزارت بهداشت، همچون ایجاد دانشکده پزشکی بدون تعیین استاد برای برخی دروس یا استفاده از اسناد متخصص برای دروس فوق تخصص، نامشخص بودن وضعیت برخی از رشته ها و... از جمله نقدهای اساسی وارد به این طرح است. از طرفی پولی کردن پذیرش و تحصیل در رشته های علوم پزشکی که اساتید آن از طرح ایجاد پردیس های بین المللی علوم پزشکی زده شده بود، با اجرای این خصوصی سازی های شک باعث رنگ باختن هر چه بیشتر شعار عدالت آموزشی که از آرمان های انقلاب اسلامی است، خواهد شد و با توجه به شرایط موجود و ساختارهای غلط نظام آموزشی کشور ما، شکاف های طبقاتی را بیش از پیش عمیق تر و با چراغ سبزی که این آیین نامه نسبت به خصوصی سازی مراکز آموزشی دولتی نیز داده است، آرزوی دانش آموزان با استعداد ولی کم توان مالی را برای رسیدن به رشته و دانشگاه مورد علاقه شان را دست نیافتنی تر می کند.

جدای از مباحث پرداخته شده، ضربه های سهمناکی که این طرح بر سلامت عمومی جامعه می تواند وارد کند، از اصلی ترین بحران های پیش روی نظام سلامت کشور می تواند باشد؛ پرواضح است که نتیجه فعالیت یک پزشک و یا کادر درمانی بی سواد، بسیار ملموس تر و خطرناک تر از آنی است که مسئولین را بدون برنامه ریزی و آگاهی از وضعیت موجود مجاب به تأیید چنین طرح هایی کند!

### از تجربه قبلی درس نگرقتیم؟

**حسین افراشته**  
 دانشجو، عضو هیئت مدیره انجمن دانشجویان علوم پزشکی

بعد از ابلاغ این آیین نامه حجمی از واکنش های دانشجویان علوم پزشکی نسبت به این مسئله راه افتاد و عمدتاً استلال دانشجویان نیز روی این محور است که ما در گذشته تجربه خصوصی سازی آموزش در رشته های دیگر را داشته ایم و کاملاً مشخص است که ورود بخش خصوصی در حوزه علوم پزشکی نیز به سرنوشت سایر رشته ها منتهی خواهد شد؛ هر چند که در مقابل موافقان این آیین نامه معتقدند در خارج از کشور دانشگاه های خصوصی ای فعالیت می کنند که کیفیت آموزش بسیار خوبی دارند، اما حرفمان این است که شرایط چنین دانشگاه هایی با دانشگاه های داخلی کاملاً متفاوت است. به طور مثال وقتی دانشگاهی در آلمان به صورت خصوصی دانشجویان را با کیفیت آموزشی بالاتر تربیت می کند به آن هادرمک معتبری ارائه می دهد که حتی اگر نتوانند در کشور خود شغل پیدا کنند، در سایر کشورها مشکلی از این بابت نداشته باشند، ولی در کشور ما این مؤلفه وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر ما کمبودی در نیروی کار علوم پزشکی نداریم و این مسئله از سوی وزارت بهداشت نیز تأیید شده؛ چرا که در همین چند روز گذشته معاونت توسعه این وزارتخانه بسته بهینه سازی را برای طرح خدمت رشته های پزشکی و پیراپزشکی ابلاغ کرد که طی آن اگر فردی ۴ ماه در نوبت این طرح بماند از گذراندن آن معاف خواهد شد و طبیعتاً این مسئله به خاطر آن است که بیش از حد نیرو تربیت کرده ایم که حتی افراد برای گذراندن طرح خدمت خود تا چند ماهه و حتی چند سال در نوبت می مانند، همچنین همین مسئله یکی از دلایلی است که بگویم نیازی به ورود بخش خصوصی برای آموزش علوم پزشکی نیست و از آنجایی که هدف علوم پزشکی حوزه سلامت جامعه است، قطعاً چنین تصمیمی در نهایت با سلامت مردم بازی خواهد کرد. یکی دیگر از نکاتی که باید به آن توجه داشت این است که در طول ۴ دهه گذشته پیشرفت های بسیار خوبی را در حوزه علوم پزشکی کشور داشته ایم و در حقیقت سیستم علوم پزشکی، سیستمی کارآمد و به روپیشرفت است که نیازی به ورود بخش خصوصی آن هم در شرایطی که علوم پزشکی در بازدهی خوب قرار دارد، نیست و همین چند وقت پیش وزیر سابق وزیر بهداشت از تعداد بالای دانشگاه های علوم پزشکی در کشور انتقاد کرده بود، در حالی که ما دانشگاه ها و دانشکده هایی را ساخته ایم که نه تنها کیفیت آموزشی پایینی دارند بلکه با کمبود امکانات و نیرو نیز مواجه اند و به اعتقاد بهتر است به جای اینکه بخواهیم دانشگاه های دیگر به این مجموعه اضافه کرده دانشجویان را با کیفیت آموزشی نامعلوم و همچنین سرنوشت کاری نامشخص تربیت کنیم، بحث تجهیز امکانات همین دانشگاه ها را بپذیریم کنیم.

شاید عده ای بگویند که امکان ساخت دانشگاه های خصوصی با کیفیت بالا وجود دارد، اما نکته جالب این است که تجربه خصوصی سازی نشان می دهد که قطعاً این کار شدنی نیست، البته شاید در بین چندین دانشگاهی که قرار است ایجاد شود، یک دانشگاه با کیفیت و امکانات خوب هم ایجاد شود، اما در مقابل صدها دانشگاه دیگر با امکانات و کیفیت بسیار پایین خواهیم داشت که در نهایت نیز دانشجویان بی کیفیتی از این دانشگاه ها فارغ التحصیل می شوند که با سلامت جامعه در ارتباط خواهند بود.

### آگهی مزایده

یک نهاد در نظر دارد پنج دستگاه خودروی سواری، پژو ۴۰۵ مدل ۸۴ و ۸۸، پراید مدل ۸۴، پیکان ۸۲ و دو دستگاه پیکان وانت مدل ۸۸ و نیسان وانت مدل ۸۷، را از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان جهت شرکت در مزایده از به فروش برساند. متقاضیان جهت شرکت در مزایده از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۷ روز با شماره تلفن زیر تماس حاصل نمایند.

تلفن: ۸۴۲۲۲۴۵

### تداوم فعالیت های جهادی در زمستان

گرچه گروه های جهادی این روزها خود را برای فعالیت در نوروز ۹۸ آماده می کنند، اما قرارگاه های مردم نهاد به کار خود ادامه می دهند.

بعضی از فعالیت ها هستند که به عنوان فعالیت های فصلی و ایامی نام گذاری می شوند، اردوهای جهادی یکی از آن ها است، اردو هایی که طبق برنامه ریزی هادریام عید نوروز و تابستان هرسال برگزار می شود و گروه های مختلف جهادی به مناطق محروم در سراسر کشور می روند. اما به نظر می رسد این رویه در برخی از مراکز جهادی در تمامی طول سال ادامه دارد، قرارگاه جهادی خدمت رسانی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) که وظیفه «ستادی» کمک رسانی به مناطق محروم را دارد در «صف» نیز اقدامات جهادی خود را انجام می دهد.

**آب آشامیدنی در روستای دور افتاده تالش**

آب رسانی به روستاهای دور افتاده و کم برخوردار تالش یکی از خبرهایی بود که در اواسط آذرماه رسانه ای شد، روستائیان اهل سنت چند روستای دور افتاده شهرستان تالش با همت و تلاش گروه های جهادی قرارگاه جهادی خدمت رسانی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) از نعمت آب شرب سالم برخوردار شدند. مسئول قرارگاه جهادی خدمت رسانی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)، خدمت رسانی به مناطق محروم و کم برخوردار را از اولویت های این نهاد خواند و تصریح کرد: کاهش مشکلات و معضلات مردم در حوزه های مختلف با تأکیه بر توان گروه های جهادی از اولویت های اصلی این نهاد مردمی است. محمد ودود گفته است: با اقدام قرارگاه جهادی خدمت رسانی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) علاوه بر آب رسانی از مهاجرت ساکنان این روستاهای محروم نیز جلوگیری می شود.

**بهره برداری از ۱۹ منزل مسکونی**

اواخر آذرماه نیز ۱۹ واحد مسکونی که توسط جهادگران این قرارگاه مردم نهاد برای خانواده های محروم و کم برخوردار جزیره ای هرمز ساخته شده افتتاح و به این خانواده ها تحویل داده شد. مسئول این قرارگاه با بیان اینکه پروژه ساخت ۱۹ باب منزل مسکونی ویژه محرومین، معلولین و ایتام در جزیره هرمز توسط گروه جهادی شهید حاج احمد کاظمی ساخته شد و امروز به بهره برداری رسید، گفت: از پروژه های دیگری که توسط این جهادگران در استان هرمزگان دنبال خواهد شد، می توان به ساخت منازل مسکونی برای ایتام محروم در بخش های دور افتاده استان هرمزگان از جمله بخش هشت بندی اشاره کرد. گفتنی است گروه جهادی شهید کاظمی به عنوان متولی فعالیت در این جزیره ساخت این منازل را شروع کرد. از نکات قابل توجه این پروژه ها آغاز پروژه ساخت ۳۰ باب منزل مسکونی برای ایتام در بخش هشت بندی استان هرمزگان است.

**افتتاح قرارگاه جهادی شهید باباخانی**

و خبر دیگر اینکه گروه های جهادی فعال در شهر مقدس قم با حمایت قرارگاه جهادی خدمت رسانی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) یک قرارگاه مردمی جهادی در



حاشیه این شهر تشکیل دادند. افتتاح این قرارگاه به منظور پشتیبانی و حمایت از اقدامات گروه های جهادی در این منطقه آسیب پذیر صورت گرفت. از جمله اقداماتی که گروه های جهادی حاضر در قرارگاه شهید باباخانی با مدیریت گروه جهادی مصباح الهدی به آن خواهند پرداخت می توان به خدمات عمومی پزشکی، سرکشی به خانواده های کم برخوردار و بی بضاعت، سرکشی و خدمت رسانی به خانواده های دارای معلول و خدمات فرهنگی اجتماعی اشاره کرد. همچنین ارائه خدمات عمرانی از جمله آسفالت خیابان ها، سامان دهی معابر و فاضلاب، تعمیر و مقاوم سازی برخی از منازل ساکنین این منطقه نیز از خدمات مهم دیگر این قرارگاه به مردم حاشیه شهر قم به ویژه منطقه ای اسماعیل آباد است.